



Understanding the Patrimonial Government and the Critical Discourse of Constitutional Poets with an Emphasis on Spragens's Theory

Seyedeh Zahra Bozen¹ | Abdolreza Alishahi²

Abstract

Iran's constitutional revolution can be considered the beginning of an idea for the end of traditional authoritarian regimes. Regardless of the success of the constitution or not, the issue that is important is the critical discourse of the spectrums that have been provocative and in a way the ideologues of the constitutionalists. Among them, intellectuals, marketers, clergy, writers, and poets can be mentioned. While criticizing the patrimonialism of the ruling government, during their thoughts, they made many efforts for the liberation and freedom of the country as well as drawing a bright future for the country. In This article, the authors try to investigate the patrimonial government of the constitutional era by using the Spragens Theory to explain the critical discourse of three poets of this era: Adib al-Mamalek Farahani, Vahid Dastgerdi and Malek Sho'arā Bahar. Based on this, in the first stage of observation and identification of the problem according to the interpretation of these three poets, it is the authoritarian and patrimonial government ruling the Iranian society. In the second stage or finding the root of the problem, the lack of unity in Iranian society and the presence of illegal forces in the country are discussed. In the third stage or the drawing of an ideal order, the two concepts of freedom and justice are the idealism of the three poets. Finally, in the fourth stage, or the plan of solution and treatment, the three poets emphasize the issue of constitutionalism and parliament.

Keywords: Critical discourse, Constitutional Poets, Patrimonialism Government, Iran Society.

1. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Amin University, Tehran, Iran. sz.nozen@apu.ac.ir
2. PhD in Political Science, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Bozen, S.Z & Alishahi, A.R (2024). Understanding the Patrimonial Government and the Critical Discourse of Constitutional Poets with an Emphasis on Spragens's Theory. *Crisis Management and Emergency Situations*, 1(10), 89–112.

Publisher: Imam Hussein University

Authors



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0) .



فهم دولت استبدادی و گفتمان انتقادی شعرای مشروطه با تأکید بر روش جستاری اسپریگنز

سیده زهرا نوزن^۱ | عبدالرضا عالیشاهی^۲ 

سال دهم
بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۲۴
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۲/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۱۶
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۳/۳۰

صص: ۸۹-۱۱۲

شابا چاپی: ۲۰۰۸-۴۵۲۸
الکترونیکی: ۵۰۷۲-۲۶۴۵



چکیده

انقلاب مشروطه ایران را می‌توان به‌مثابه آغازگاه اندیشه‌ای برای پایان حکومت‌های استبدادی سنتی تلقی نمود. صرف‌نظر از موفقیت‌آمیز بودن یا نبودن مشروطه، مسئله‌ای که حائز اهمیت است، گفتمان انتقادی طیف‌هایی است که به نحوی تهییج‌گر و به‌نوعی ایدئولوگ‌های مشروطه‌خواهان بوده‌اند. در این میان می‌توان روشنفکران، بازاریان، روحانیت، نویسندگان، شعرا را ذکر نمود. آنان ضمن انتقاد از دولت حاکم، در خلال اندیشه‌های خود، برای رهایی و آزادی کشور و نیز ترسیم آینده‌ای روشن تلاش‌های فراوانی نمودند. به همین سبب، نویسندگان در مقاله کنونی با بهره‌گیری از چارچوب تحلیل جستاری اسپریگنز مساعی خود را معطوف به بررسی دولت عهد مشروطه و تبیین گفتمان انتقادی با رویکرد مقایسه‌ای سه تن از شعرای این عصر یعنی ادیب‌الممالک فراهانی، وحید دستگردی و ملک‌الشعرا بهار نموده‌اند. براین‌اساس، در مرحله اول یا مشاهده و شناسایی مشکل به تعبیر این سه شاعر دولت استبدادی حاکم بر جامعه ایران می‌باشد. در مرحله دوم یا ریشه‌یابی مشکل، عدم تحقق وحدت در جامعه ایران و حضور نیروهای بیگانه در کشور مطرح می‌گردد. در مرحله سوم یا ترسیم نظم آرمانی، سه مفهوم آزادی، عدالت و وطن‌پرستی ایده آلیسم سه شاعر مذکور می‌باشد. سرانجام در مرحله چهارم یا طرح راه‌حل و درمان، سه شاعر به مسئله مشروطه‌خواهی و پارلمان (مجلس) تأکید می‌نمایند.

کلیدواژه‌ها: گفتمان انتقادی، شعرای مشروطه، دولت پاتریمونیال، روش جستاری.

۱. دکتری نویسنده مسئول: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

sz.nozen@apu.ac.ir

۲. دکتری علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

استناد: نوزن، سیده زهرا و عالیشاهی، عبدالرضا (۱۴۰۳)، فهم دولت استبدادی و گفتمان انتقادی شعرای مشروطه با تأکید بر روش جستاری اسپریگنز، **دولت پژوهی ایران معاصر**، ۱۱۲-۸۹، (۱۰۱).

نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه و بیان مسئله

مفهوم استبداد و خودکامگی را می‌توان از مفاهیم نام‌آشنای ادبیات سیاسی تاریخ ایران (اعم از تاریخ باستان یا معاصر) دانست. اغلب دولتمداران، حکام و شاهان مستبد ایران حکومت و دولت را به‌نوعی میراث گذشتگان خود تلقی نموده و سیاست‌گذاری را مطابق رأی و نظر خود پیش می‌بردند. این مسئله در گام نخست، ضمن سوق‌دادن کشور به سمت‌وسوی یک نظام «استبدادی» و قهقرا رفتن جامعه، انزوای نخبگان و تشدید سیاست‌های سرکوب‌گرایانه بیش‌ازپیش مهیا می‌کرد. در تبیین علت این مسئله می‌توان این‌گونه اذعان داشت که اساساً حکام ایران‌زمین از یک سو هیچ‌گونه اعتقادی به مشارکت مردم در عرصه دولت و حکومت نداشتند و توده‌ها در بهترین حالت بسان رعیتی انگاشته می‌شدند که نیاز به راهنمایی و هدایت دارند. درواقع، حکام اغلب خود را به‌مثابه یک رهبر نخبه یا نماینده خداوند در زمین فرض می‌کردند.

دورانی که سرتاسر آن، حکومت مبتنی بر خودکامگی و استبداد بر جامعه ایران حکم فرما بوده است، دوران قاجار می‌باشد. به نظر می‌رسد به علت خصلت استبدادی و مشی اقتدارطلبی که شاهان قاجار داشتند، هدف اصلی آن‌ها از تأسیس و گسترش سازمان دیوان‌سالاری تمرکز بیشتر بر امور از طریق بسط سلطه همه‌جانبه خود بر جامعه بود. قدرت شاه بی‌شمار و اقتدار او بی‌نهایت بود و اراده تام بر همه چیز از مال تا جان مردم داشت که از آن‌ها به رعیت تعبیر می‌شد. در کنار بزرگ‌تر شدن دیوان‌سالاری قاجاریه به‌عنوان بدنه دولت که زمینه را برای اعمال سلطه فرمانروا فراهم می‌کرد، موقعیت برای بروز و تحقق حاکمیت خودکامه نیز فراهم می‌شد. (افسری راد و همکاران، ۱۳۹۸)

گذشته از شخصیت ذاتی شاهان و فقدان ساختارهای حکومتی لازم، فرهنگ سیاسی استبداد پذیر بیشتر توده‌ها نیز سهولت حکومت استبدادی حکام قاجار را مقدور می‌ساخت؛ اما مجموعه‌ای از رویدادها همچون وقوع انقلاب‌های صنعتی در اروپا و سفر ایرانیان به این منطقه و آشنایی با افکار و اندیشه‌های استبدادستیزانه، آغازی بر نضج اندیشه‌های این‌چنینی در میان افرادی شد که در آن اوان به‌عنوان روشنفکر یا منورالفکر شناخته می‌شدند. این افراد در ادامه به تبیین هرچه بیشتر

اندیشه‌های مبتنی بر آزادی‌خواهی، حکومت‌های ضداستبدادی، نشر و ترویج کتاب و روزنامه در میان توده‌ها و... مبادرت نموده و به‌نوعی به‌منابه یک ایدئولوگ اثرگذار برای توده‌های مردمی درآمدند.

یکی از طبقات اثرگذار این دسته، شاعران بودند که در کنار طیف‌هایی همچون روحانیت، روشنفکران، نویسندگان و... تأثیرات شگرفی بر بیداری ایرانیان عصر مشروطه نهادند. نویسندگان در اینجا صرف‌نظر از وقایع منتهی به مشروطه و یا موفقیت‌آمیز بودن یا نبودن فرجام آن، به این مسئله مهم خواهند پرداخت که اساس گفتمان انتقادی شعرای این عصر پیرامون چند مرحله اساسی بوده است. در گام نخست، شعرا در آثار خود مشکلات عظیم و اصلی جامعه ایران را ترسیم، سپس، ریشه‌های این معضلات را تبیین و جامعه آرمانی مطمح نظر خود را در قالب اشعارشان ترسیم کرده و سرانجام در پی راه‌حل و درمان برای خروج از اوضاع اسفناک سیاسی کشور اقدام کردند.

ضرورت بررسی این مقاله را می‌توان از چند حیث مورد مذاقه قرارداد:

-نخست، بررسی حیطه‌های انتقادی شعرای عصر مشروطه؛

-دوم؛ میزان اثرگذاری و نفوذ شعرای مشروطه؛

-سوم؛ مهم‌ترین اصل یا اصول سیاسی موردنظر شعرای مشروطه.

با این مقدمات، پژوهش کنونی جستاری است از سوی نویسندگان در راستای ارائه پاسخی مستدل و متقن به این سؤال که گفتمان انتقادی سه تن از شعرای بنام و مشهور عهد مشروطه - ادیب‌الممالک فراهانی، وحید دستگردی و ملک‌الشعرا بهار - در قبال دولت قاجار بیشتر حول چه مسائل و مفاهیمی بوده است؟ و در ادامه این مفاهیم مذکور را در چه راستا و اهدافی مطرح کردند؟

مبانی نظری پژوهش

۱. پاتریمونیالیسم ۱ و دولت استبدادی

1 Patrimonialism

نشریه دولت پژوهی ایران معاصر دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

پاتریمونالیسم یا پدرسالاری، نوعی از سلطه حکومت است که از سوی مکس وبر، برای تبیین حکومت‌های عمدتاً حاضر در خاورمیانه مورد استفاده قرار گرفت. به تعبیر وبر، پاتریمونالیسم سلطه‌ای است که در آن حکومت، ملک شخصی حاکم بوده و میزان قدرت این گونه حکومت بسته به نیروهای سرکوب و نظامی دارد (مازام، ۱۳۷: ۲۰۱۵). در واقع، در این گونه حکومت‌ها، فرد حاکم، خود را پدر و بزرگ‌تر تمامی افراد جامعه قلمداد کرده و به همین سبب هیچ‌گونه تعهدی به فرد و نهادی ندارد (گلوین، ۲۴: ۲۰۲۱).

از دیگر شاخص‌های دولت استبدادی، انحصار قدرت، ثروت و منابع در دستان حاکم است که تمامی تصمیمات و سیاست‌گذاری با رأی و نظر مستقیم وی صورت می‌پذیرد. در این حکومت نه تنها طبقه‌های پائین دست جامعه جایی برای حضور و فعالیت در مناصب حکومتی ندارند؛ بلکه طبقه‌های بالا و حتی متوسط نیز از این امر عمدتاً محروم‌اند. در این حکومت، فرد حاکم تمامی منابع را برای تقویت مبانی حکومتی خود بهره برده و نیروهای نظامی، تنها به شخص حاکم تعهد دارند. بدیهی است در چنین حکومت‌هایی، مسائلی همچون آزادی، قانون، نظارت، شایسته‌سالاری معنا و مفهومی ندارد و مسئله وفاداری به شخص حاکم، معیار و مبنای انتصاب افراد می‌باشد که عمدتاً این افراد از وابستگان قومی یا اندیشه‌ای حاکم می‌باشند. نکته مهم در خصوص حکومت‌های استبدادی آن است که در این گونه حکومت‌ها دستگاه اداری و بوروکراسی عمدتاً وجود ندارد و بالطبع دولت در این گونه حکومت، معنا و جایگاهی ندارد و اگر هم رگه‌های کوچکی از دیوان‌سالاری وجود داشته باشد در استیلای مطلق حاکم قرار دارد (هانسن و کاپ ستین، ۲۰۲۱: ۵۵-۵۶).

با بهره‌گیری از نظریه دولت استبدادی مکس وبر^۱ برای بررسی ساختار قدرت در ایران دوره قاجار که از آن به سلطنت مستقله یا مستبده تعبیر می‌شود، می‌توان گفت این سلطنت از لحاظ ماهوی دارای وجوه استبدادی است. خصایص و ویژگی‌هایی که جامعه ایران را به نظامی مستبد تبدیل می‌کند عبارت‌اند از: ساخت عمودی قدرت، ارادت‌سالاری، قداست داشتن حاکم (نظریه ظل‌الله) و تقدیرگرایی (افسری راد و همکاران، ۱۳۹۸).

1 Max Weber

به‌طور کلی، برخی از مهم‌ترین شاخص‌های نظام‌های استبدادی عبارت‌اند از:

۱. شخصی بودن قدرت: قدرت سیاسی و ابزارهای اعمال آن همگی در استیلائی فرد حاکم قرار دارد؛
۲. عدم وجود نهاد سیاسی: حاکم اجازه شکل‌گیری نهادهای مردم‌سالارانه برای مشارکت مؤثر جامعه در امور سیاسی را نمی‌دهد؛
۳. انحصار سیاسی: تصمیم‌گیری سیاسی تنها به لایه نازکی از نزدیکان و وابستگان حاکم محدود می‌شود؛
۴. شیوع فساد: اعطای مناصب سیاسی و مزایای اقتصادی به عنوان ابزاری کارآمد در اختیار افراد و خویشاوندان هیأت حاکمه قرار دارد که نتیجه آن شیوع فساد در ساختار سیاسی و اجتماعی است؛
- ۵- توسعه روزافزون میزان استبداد و خودکامگی: نخستین بازخورد حکومت‌های استبدادی، استبداد بیش از پیش حاکم می‌باشد که نتیجه این مسئله نیز اختناق جامعه و سرکوب نیروهای مخالف می‌باشد. از طرفی، فعالیت‌های پنهانی مخالفان از دیگر پیامدهای این مسأله قلمداد می‌گردد؛
۶. حمایت خارجی: این نوع دولت‌ها معمولاً به دلیل فقدان پایگاه مردمی به قدرت‌های خارجی روی می‌آورند (درویش پور و دیگران، ۱۴۰۰: ۴۰۶-۴۱۰).

۲. شعر در عصر مشروطه

ادبیات فارسی در طول زمان فراز و نشیب‌های زیادی به خود دیده و دوره‌های گوناگونی را طی کرده است و شعرای هر دوره نیز سبک‌ها و طرز فکرهای متفاوتی داشته‌اند. تا زمان مشروطه ادبیات تقریباً یک‌دست بوده است. ادبیات و شعر در انحصار طیف به خصوصی از مردم و دربار بود و درون‌مایه اغلب اشعار تا پیش از مشروطه، مدح پادشاهان، توصیف طبیعت (بهار، زمستان) و شراب، بیان احساسات، عشق، بیان افکار عارفان و پند و اندرز و... بوده است. در این دوران چهره فرهنگی ایران در آستانه مشروطیت کاملاً تغییر یافته بود. به‌ویژه که گروهی از تحصیل‌کردگان

بودند که از طریق مطبوعات و آثاری که منتشر می‌کردند به جریان نوگرایی اجتماعی و فرهنگی سرعت بیشتری می‌بخشیدند (بهرامیان فاعل، ۱۴۰۱: ۲۳-۲۴).

مرحله تحوُّلی که شعر و ادب عصر بیداری پشت سر گذاشت، در همه دوره‌های تاریخ ادبیات فارسی تا آن روز بی‌سابقه بود. این تغییر و دگرگونی فکری، زاده تغییراتی بود که در شئون اجتماعی - سیاسی ایران روی داده بود. در این دوره شعر و ادبیات رویکردی شگرف به سوی مردم داشت و از نظر درون‌مایه نیز دیگر روزگار مدیحه‌سرایی‌های دوران غزنوی و سلجوقی و توصیفات طبیعی و عاشقانه سرایی‌ها سر آمده بود؛ بنابراین از شعر این دوره دیگر نه به‌عنوان پدیده‌ای تجملی و منحصر به گروه‌های محدود، بلکه همچون امری عمومی و متعلق به گروه‌های وسیع جامعه باید سخن گفت که به‌جای ارتباط مستقیم با دربار و گروه‌های بالای اجتماع، از طریق مطبوعات متعدّد و با محتوای سیاسی و انقلابی موردعلاقه همگان، مخاطبان راستین خود را در گوشه و کنار شهرستان‌ها و حتی روستاهای کشور سراغ می‌گرفت. تغییرات حاصله در شئون جامعه ایران، منجر به انقلابی ادبی در عرصه‌های شعر و نثر گردید. به‌طور کلی، مهم‌ترین مضامین شعر فارسی در عصر بیداری عبارت‌اند از: «آزادی، وطن، قانون‌گرایی، تعلیم و تربیت نوین، توجه به علوم و فنون جدید و توجه به مردم» (شفیعی کدکنی، ۱۴۰۱: ۵۳-۵۵).

۳. شعرای مشروطه و نقد دولت قاجار

پس از وقوع نوعی انقلاب در محتوا و درون‌مایه اشعار عهد مشروطه، عمده شاعران مساعی خود را معطوف به چند مسئله مهم در حوزه نظم و نثر ادب فارسی نمودند. نخست؛ تلاش برای آگاهی توده‌های مردم. در این راستا شعرای عهد مشروطه استبداد شاهان قاجار و شخصی بودن بافت و ساختار قدرت و نیز عدم وجود نظارت بر اعمال قدرت شاهان را به مهم‌ترین بحث در ادبیات خود مبدل نمودند. در ادامه، شعرای این عهد، با تأکید بر این موضوع که غفلت و عدم بیداری جامعه اصلی‌ترین علت دولت استبدادی قاجار می‌باشد، بخش مهمی از مساعی خود را به بیداری ایرانیان و تلاش برای آغاز زندگی نوین نمودند:

ادیب‌الممالک فراهانی شاعری است انقلابی، اصلاح طلب و سخت منتقد دربار قاجار، اما به نظر می‌رسد شاعر بیشتر درد فردی و شخصی دارد و من فردی او بر من اجتماعی غلبه دارد و این خصلت دیگر شاعران این دوره از جمله یغما، شیبانی و داوری است. درعین حال بسامد انتقادات اجتماعی و طعن و طنزهای نیش‌دار او به اندازه‌ای است که بتوان او را آغازگر راهی دانست که با امثال بهار، دهخدا، وحید دستگردی، ایرج میرزا و... به کمال می‌رسد. شعر ادیب سرشار از مضامین اعتقادی و باورهای دینی است و به خوبی می‌توان اعتقادات یک فرد مسلمان شیعه را در اصول و فروع دین در دیوانش دید (حاتمی و همکاران، ۱۳۸۸).

و این چنین ادیب‌الممالک فراهانی که مهم‌ترین مؤلفه سیاسی شعر او پند و اندرز است، وحید دستگردی با تأکید بر وطن دوستی و ملک‌الشعرا بهار با انتقاد از وضعیت کلی اجتماع و در نهایت پس از ترسیم درد و رنج‌های جامعه ایران، تلاش خود را برای استکبارستیزی شاهان قاجار و بیداری مردم در قالب مفاهیمی همچون آزادی، مجلس و... مطرح می‌کنند. هرچند در ادامه خواهیم دید که این امیدواری به مجلس و نمایندگان از مسیر خود منحرف و یأس و ناامیدی فزاینده‌ای بر شعرا حاکم می‌گردد.

برخیزم و زندگی زسرگیرم	وین رنج دلاز میانه برگیرم
باران شوم و به کوه و در بارم	اخگر شوم و به خشک و تر گیرم
در عرصه گیرودار بهروزی	آویز و جدال شیر نر گیرم

(بهار، ۱۳۸۰: ۱۶۵)

در ادامه، شعرای مشروطه نهادینگی استبداد شاهان قاجار را به دو مسئله مهم تشتت، افتراق و عدم وحدت طبقات و توده‌ها و نیز حضور و دخالت نیروهای استکباری همچون روس و انگلیس مرتبط دانسته و همواره در اشعار خود ضمن برجسته نمودن تاریخ و هویت غنی ایران، بر مبارزه با نیروهای استکبارگر و اتحاد نیروهای میهنی تأکید نمودند:

ای علم‌داران امت ای نوامیس خرد	ای خداوندان فکرت ای جوامیس قلوب
راعی ما گله را به دست گرگ داد	ساقی ما باده را به سم دارد مشوب...

(ادیب‌الممالک، ۱۳۴۵: ۱۰۵)

روس با ما جنگ کرد و در گلستان عهد لیک ناگه عهدهای بسته را درهم شکست

بست

(بهار، ۱۳۸۰: ۱۴۳)

مباش غره به تقلید غربیان که به شرق اگر دهد، هنر شرقی احترام دهد
ای تو شرقی به شرق اندرون کمالاتی است؛ ولی چه سود که غربت فریب تام دهد
(بهار، ۱۳۸۰: ۶۷۲)

پیشینه پژوهش

– ویلیام جی گریس (۱۳۸۱) در کتاب "ادبیات و بازتاب آن" ترجمه بهروز عزب دفتری، ادبیات را در هر ملتی نماینده دل و جان و روان آن ملت می‌داند و معتقد است که ادبیات یک ملت نمی‌تواند از حوادث و جریان‌های سیاسی و اجتماعی زمانه تأثیر نپذیرد و باور دارد که شناخت تحولات و رویدادهای سیاسی و اجتماعی به منظور شناخت و فهم ادبیات ضروری است؛

– یحیی آرین‌پور (۱۳۸۷) در کتاب: «از صبا تا نیما» جلد دوم، به گونه‌ای جداگانه به هر سه شاعر پرداخته است و درباره ارزش شعر و موضوع و محتوای آثارشان مفصل بحث کرده است؛

– حسن‌زاده میرعلی و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان: «تأثیر طبقه اجتماعی بر شعر شاعران دوره مشروطه با تمرکز بر اشعار «ایرج میرزا» و «فرّخی یزدی» معتقدند که دیدگاه‌های ایرج میرزا و فرّخی یزدی در حوزه‌های نقد سنت‌های دینی و نقد اجتماعی، آزادی، وطن پرستی، استعمارستیزی، استبدادستیزی، دعوت به مبارزه و تجمل‌گرایی با یکدیگر متفاوت است؛

– آسیه نبی‌نیا عمران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان: «رویکرد اعتراضی سیاسی فرّخی یزدی و تفکرات انتقادی استبداد ستیزانه او در عصر مشروطه» معتقد است که برخلاف سایر ادوار سیاسی ایران، درد غالب و مطرح، در دوران مشروطه، درد مردم، سیاست‌های غلط حاکم بر جامعه و ظلم حاکمان است و توجه و اقبال مردم به او و شعرش نیز ریشه در همین دیدگاه اجتماعی وی دارد؛

– مرتضی محسنی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان: «تحلیل تطبیقی آیات و احادیث در شعر مشروطه (ملک الشعرا بهار، نسیم شمال و میرزاده عشقی)» با ارائه جداول و آمار،

گرایش بهار، نسیم شمال و میرزاده عشقی به آیات و احادیث در طول حیات شاعری آنان را نشان داد. دستاورد پژوهش ناظر بر این بود که ملک الشعراء بهار، در دیوان شعری خود، در استفاده از آیات قرآنی و احادیث به ترتیب با ۲۲۷ آیه و ۱۷۴ حدیث، بالاترین رتبه را نسبت به نسیم شمال و عشقی به دست آورده است؛

-شفیعی قهرخچی و دیگران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان: «درون مایه‌های سیاسی آثار ادیب‌الممالک فراهانی» معتقدند ادیب‌الممالک فراهانی یکی از ادیبان بزرگ آن دوران بوده و در کنار دیگران، و با اثرپذیری از حوادث و افکار زمانه‌اش، دوره جدیدی از ادبیات سیاسی فارسی را رقم زده است. در نهایت نویسندگان در راستای تبیین صبغه سیاسی افکار ادیب به بررسی مسائلی همچون تجددخواهی، عدالت، ناسیونالیسم و وطن پرستی، آزادی خواهی و قانون مداری، وحدت، اخلاق و سیاست، و نیز آگاهی بخشی برای پیشرفت، در آثار وی می‌پردازند؛

و جوه نوآوری مقاله کنونی را می‌توان از چند حیث مورد بررسی قرارداد:

نخست؛ اساساً پژوهش مستقلی در خصوص دولت استبدادی و شعرای عصر مشروطه با محوریت دولت قاجار صورت پذیرفته است؛

دوم؛ بررسی علل و عوامل سقوط جامعه ایران در استبداد محض شاهان قاجار از نگاه این سه شاعر؛

سوم؛ بررسی و تدقیق در راهکارهای متفاوت این سه شاعر برای رهایی جامعه سیاسی ایران از استبداد.

روش‌شناسی پژوهش

این مقاله از نوع تحقیقات کیفی است که همان گونه که در فوق تبیین گردید؛ هدف نویسندگان پژوهش حاضر بررسی تطبیقی آرای انتقادی شعرای مشروطه در قالب رویکرد مقایسه‌ای می‌باشد تا بتوان در ادامه نحوه ارائه دولت مطلوب را در امر سیاسی بر اساس الگوی جستاری اسپریگنز نمایان ساخت. در این راستا، نویسندگان ضمن بهره‌گیری از تئوری دولت استبدادی، با مراجعه به کتب تاریخی، دیوان اشعار، کتاب‌ها و مجموعه مقالات مرتبط و با تأکید بر گفتمان سیاسی سه شاعر مذکور، سعی در تبیین گفتمان انتقادی آنان در چهار محور

مشکل‌شناسی، علت‌شناسی، آرمان‌شناسی و راه‌حل‌شناسی تدوین شده دارند. به همین سبب، یافته‌های پژوهش با بررسی دقیق و مقایسه اشعار سه شاعر منتخب دوران مشروطه مورد واکاوی قرار می‌گیرد. سپس برای هر یک از مؤلفه‌های الگوی جستاری اسپریگنز مصداق‌هایی استخراج و با تحلیل یافته‌ها مدل مفهومی پژوهش ترسیم می‌گردد.

یافته‌های پژوهش؛ گفت‌وگو انتقادی شعرای مشروطه با تأکید بر الگوی جستاری

اسپریگنز

"روش منطق‌بازسازی شده" اسپریگنز از نمونه‌های روش استخراج ساختار منطقی متن است که به واسطه آن مفسر می‌کوشد تا اندیشه سیاسی را در رابطه با بحران‌های عصر تولیدشان و پرسش‌هایی که زاینده متون بوده‌اند، توضیح دهد. روش‌های تولید گفت‌وگو شیوه دیگری است که معمولاً طیفی از نظریات را به خدمت می‌گیرند تا منظومه معنایی متن را توضیح دهند (میراحمدی؛ مرادی طاه‌ها، ۱۳۹۶).

۱. مرحله اول، مشاهده و شناسایی مشکل: دولت استبدادی حاکم بر جامعه

ایران:

پادشاهان قاجار تا قبل از انقلاب مشروطیت، با گسترش و توسعه دیوان‌سالاری، توانستند سلطه سیاسی خود را که از ویژگی خودکامگی برخوردار بود، بر جامعه تسری دهند. اعضای دیوان‌سالاری نیز، تلاش خود را بر تقویت سلطه سنتی شاه بر جامعه با ایفای وظیفه سرسپردگی‌شان متمرکز می‌کردند. آنها می‌دانستند بقا و دوامشان، ارتباط مستقیمی با عملکردشان در جهت افزایش اقتدار خودکامه شاه داشت. در سلطه سنتی وبری، خودکامگی وجهی از اقتدارطلبی است که به کمک شرایط خاصی از جمله وجود یک دیوان‌سالاری وابسته به حکومت محقق می‌شود، به گونه‌ای که دیوان‌سالاری بازوی اجرایی یک فرمانروای پاتریمونیال می‌باشد (افسری راد و دیگران، ۱۳۹۸).

شعرا مشروطه همگام با سایر روشنفکران و مبارزان آن عهد، مسئله استبداد و خودرأیی طبقه حاکمه را از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مشکل جامعه قلمداد می‌کردند. در این راستا شعرا مذکور ضمن انتقاد از استبداد شاهان، عاقبت خودرأیی آنان را اضمحلال حکومتشان دانسته و همواره به

آنان هشدار می‌دادند. به همین سبب، در گام نخست، شعرای مذکور، اهمّ مساعی خود را صرف مبارزه با مسئله استبداد حاکم بر جامعه ایران نمودند:

۱,۱. **ادیب الممالک و غرب ستیزی:** ادیب الممالک در قصیده‌ای با مطلع «در خراسان میرزا صدرای نجدالسلطنه / کرده بیدادی که اندر گله، گرگ گرسنه»، در این مورد از شخص اوّل مملکت تا بزرگان و صاحبان قدرت همه را زیر سلاح انتقاد می‌برد و روی زشت استبداد را در ابیات خود به تصویر می‌کشد (ادیب الممالک، ۱۳۴۵: ۴۵۴). ادیب بعد از این که محمدعلی شاه مجلس را به توپ می‌بندد، قصیده‌ای در نکوهش او درآمیخته با پند و اندرز و انذار می‌نویسد و با تندی تمام نفرینش می‌کند: امروز که حق را پی مشروطه قیام است/ بر شاه محمدعلی از عدل پیام است / کای شه به زمینت زند این توسن دولت/ کامروز به زیر توران گشته و رام است... (ادیب الممالک، ۱۳۴۵: ۸).

۱,۲. **وحید دستگردی و غرب ستیزی:** وحید دستگردی در ترکیب بند «اقبال و معدل» از بیدادگری سخن می‌گوید: «اقبال الدوله» در ستمگری ضحاک عصر بود و «معدل الممالک شیرازی» مار روی دوش او که مردم را به نابودی می‌کشاند اما در نهایت عدالت خواهان و آزادی خواهان مانند کاوه داستان های اساطیری گرز قیام برافراشتند تا بتوانند در نهایت افراد لایق برای فرمانروایی را بر سر کار آورند آن گونه که در اساطیر، عدالت خواهان فریدون را بر سر کار آورده بودند: با صفاهان گر کدورت چند روزی یار بود/ بسته در زنجیر محنت گردن احرار بود- در ستم «اقبال»، ضحاک و «معدل»، مار بود/ بود ضحاک آدمی گُش، مار آدم خوار بود/ کاوه گرز گاو سار افراشت با فر و شکوه/ تا به سوی شهر آرد فر افریدون ز کوه/ (دستگردی، ۱۳۰۷: ۶۹).

۱,۳. **ملک الشعراى بهار و غرب ستیزی:** ملک الشعراى بهار در ترکیب بند «آینه عبرت» با شجاعت نسبت به استبداد و خودکامگی شاه می‌سراید و در زمینه بیدارگری لحظه ای غفلت را جایز نمی‌داند: او در این شعر به محمدعلی شاه اندرز می‌دهد تا از «غفلت» رها شود و مملکت را دریابد چرا که وطن طعمه چنگال تیز استعمارگران شده و جای سستی و درنگ نیست! بهار کشور را آنچنان آشفته می‌بیند که جز خدا برای آن فریادرسی را متصور نیست و اذعان می‌دارد که

فقط خدا باید به داد ملت برسد. « پاسبانا تا به چند این مستی و خواب گران؟ / پاسبان را نیست خواب، از خواب سر بردار، هان! / گله خود را نگر بی پاسبان و بی شبان / یک طرف گرگ دمان و یک طرف شیر ژیان / آن ز چنگ این رباید طعمه این از چنگ آن / هر یک آلوده به خون این گله چنگ و دهان / پاسبان مست و گله مشغول و دشمن هوشیار / کار با یزدان بود کز کف برون رفته است کار / (بهار، ۱۳۸۰: ۶۴).

۲. مرحله دوم؛ ریشه‌یابی مشکل: (با تأکید بر عدم وحدت جامعه ایران و حضور نیروهای بیگانه به ویژه روس و انگلیس)

مطابق مرحله دوم در نظریه جستاری اسپریگنز، علت‌یابی یا ریشه‌یابی مشکل صورت می‌پذیرد. شعرای سه گانه مذکور، پس از تشخیص مسئله اصلی که همان استبداد حاکم بر جامعه ایران بود، در مرحله دوم یا ریشه‌یابی مشکل، دو مسئله اساسی را در این رابطه تبیین نمودند: نخست؛ عدم وحدت جامعه ایران و دوم؛ حضور و دخالت نیروهای بیگانه در کشور.

۱،۱. وحدت و اتحاد

۲،۱،۱. ادیب و مفهوم وحدت: از نظر ادیب قدرت در اتحاد است و برای همین خداوند امر بر «شورا» داده است. وی با تمثیل «قطره و دریا» و «دانه گندم و خرمن» این امر را روشن می‌سازد: غرض ز انجمن و اجتماع جمع قواست / چرا که قطره چو شد متصل به هم، دریاست / ز قطره هیچ نیاید ولی چو دریا گشت / هر آن چه نفع تصور کنی در او گنجاست... / ز گندمی نتوان پخت نان و جوع نشاند / چو گشت خرمن و خروار وقت برگ و نواست / ز فرد فرد محال است کارهای بزرگ / ولی ز جمع توان خواست هر چه خواهی خواست... (محمودی زاده و حسین زاده، ۱۳۹۶: ۱۸).

۲،۱،۲. وحید دستگردی و مفهوم وحدت: وحید هم درنگ را جایز نمی‌شمارد و از امت اسلامی می‌خواهد تا در برابر دشمنان ایستادگی کنند و مطالبه گر حقوق پایمال شده خود باشند: «تیغ وحدت بکشید ای ملل اسلامی / ز آب خون پاک بشوید لک بدنامی... / روز تعجیل به جنگ است نه هنگام درنگ (وحید، ۱۳۰۷: ۱۸).

۲,۱,۳. ملک الشعراء بهار و مفهوم وحدت: بهار نیز مردم را به همبستگی و اتحاد دعوت می کند و در ترجیع بند «اتحاد اسلام» مردم را به کنار گذاشتن نفاق و پرهیز از دوگانگی فرامی خواند (بهار، ۱۳۸۷: ۱۲۸). او از این که سرزمین های اسلامی همدلی و وفاق را جدی نمی گیرند ناخرسند است و بر این باور است که این ملت ها با جنبش، یکدلی و در نهایت با «اتحاد» می-توانند به استقلال و عمران و آبادی برسند: «چند گویی چرا مانده ویران/ هند و افغان و خوارزم و ایران؟/ چند گویی چرا جسته مأوا/ خرس پتیاره بر جای شیران؟/ چند گویی چرا روز حاجت/ مانده از کار دست شیران؟/ چند گویی چرا ما اسیریم؟/ زآنکه آزادی ما اسیران- / جنبش و دوستی و وداد است/ روز یکرنگی و اتحاد است.../ (بهار، ۱۳۸۷: ۱۲۸)

۱,۲. حضور و دخالت نیروهای بیگانه

۲,۲,۱. ادیب الممالک و مخالفت با حضور، مداخله و باج خواهی نیروهای بیگانه: باتامل در اشعار او می توان دریافت ادیب الممالک شاعری است وطن پرست و از دخالت بیگانگان در ایران و تقسیم گستاخانه منافع کشور بین اجانب، دلی پر خون و روحی نگران و آشفته دارد. این ناله و زاری های وی چندان نیز اغراق آلود نیست چرا که بدترین مصایب کشور، که تکه پاره شدن ایران و از دست رفتن مناطق وسیعی از آن از غرب و شمال است، در طول همین دوره بر کشور وارد شده است (تسلیم جهرمی و امیریان، ۱۳۹۱). ز راه کرم ای نسیم سحرگه/ سوی پارساگردبگذر از این ره/ ز برای خدا، از طریق وفا، بنگر به سوی ما/ که جهان به ما شده چون قفس، به گلو رسیده همی نفس (ادیب الممالک، ۱۳۸۴: ۵۴۱).

۲,۲,۲. وحید دستگردی و مخالفت با حضور، مداخله و باج خواهی نیروهای بیگانه: در ترکیب بند «نوریه» تاکید او بر این است که مردم باید از فرصت های به دست آمده در برابر بیگانگان متجاوز استفاده کرده و دفع شر نمایند. خصم ایران شد به دام نکبت و ذلت اسیر/ دوست بر دشمن چو شیر نر به روبه گشت چیر.../ ای مسلمانان عالم تا به کی صبر و درنگ؟/ خصم در چاهست باید بر سرش کوبید سنگ.../ (دستگردی، ۱۳۰۷: ۳۰). بنابراین یکی از محورهای مهم اشعار وحید، ایستادگی در برابر استبداد خارجی است و او در ترجیع بند «درویش یورشی» می نویسد: از دو طرف می کنند؛ کشور جم پایمال/ روبه زشت از جنوب؛ خرس دغل از شمال.../

آدمیان تا به چنبد؛ با خرسان در جوال؛ / غرشی ای نره شیر؛ که خرس و روبه رمد / هو حق
مولا مدد؛ نابود کن دیو و دد / (دستگردی، ۱۳۰۷: ۶).

۲,۲,۳. ملک الشعراى بهار و استکبار ستیزی: بهار هم همچون بسیاری از شعرا و وطن دوستان
حقیقی عصر خود می‌داند که از انگلیس و روسیه خیری به ایران نمی‌رسد. این استعمارگران فقط
به فکر منافع خودشان هستند و اگر هم با خودشان اختلافاتی بر سر مسائل داشته باشند، برای به
دست آوردن منافع مشترک در کشورهای تحت نفوذ یا کشورهای رو به ضعف، با هم به صلح می
نشینند و متحد می‌شوند (محقق و عباسی، ۱۳۹۹: ۳۰۲). خرس صحرا شده همدست نهنگ دریا
/ کشتی ما را رانده است به گرداب بلا / رقیبا را به هم امروز سر صلح و صفاست / آری این صلح
و صفاشان ز پیِ ذلت ماست / (بهار، ۱۳۸۷: ۱۶۷).

بهار نسبت به دولت انگلستان هم سکوت نمی‌کند و تلاش می‌کند تا چهره واقعی این دولت
عهدشکن، مکار و غارتگر را که عامل ترور بزرگان و نخبگانی چون امیر کبیر است را در لابه‌لای
اشعارش به پرده تصویر در آورد: طعمه خود فرض کردی جمله موجودات را / وقت آن آمد که
یک سر طعمه اعدا شوی (بهار، ۱۳۸۷: ۵۵۴). اختلاف افکندی و کردی حکومت در جهان / شد
دمی کز اتحاد خصم بی ملجا شوی (بهار، ۱۳۸۷: ۵۵۴).

-و حید دستگردی و استکبار ستیزی (ضدیت با روس و انگلیس و ستایش آلمان): و حید در
نمونه‌های زیادی در برابر روس و انگلیس جناح می‌گیرد و ویرانی مملکت ایران را از چشم این دو
کشور بیگانه می‌بیند و در برابر آن‌ها، «آلمان» را می‌ستاید: تا زمین است و زمان با شوکت ایران
زنده‌باد / لشکر ژاندارم با ایران به دوران زنده‌باد / مرده بادا انگلیس و روس و آلمان زنده‌باد /
اهرمن نابود و آصف با سلیمان زنده‌باد / (و حید دستگردی، ۱۳۰۷: ۴۰).

۳. مرحله سوم؛ ترسیم نظم آرمانی: (با تأکید بر عدالت و آزادی)

توماس اسپریگنز در تئوری خود، پس از تبیین مراحل اول و دوم، در مرحله سوم، به ترسیم
نظم آرمانی و یا به عبارتی «ایده آلیسم» مورد نظر مبادرت می‌نماید. در این راستا، شعرای مذکور،
پس از نقد به استبداد حاکم شاهان قاجار در مرحله نخست و سپس در مرحله دوم علت‌یابی این
مسئله، در گام سوم، به ترسیم نظم یا ایده آلیسم مدنظر جامعه ایران پرداختند. در این رابطه،

ادیب‌الممالک فراهانی، وحید دستگردی و ملک‌الشعراى بهار سه مفهوم عدالت، آزادی و وطن‌پرستی را مورد توجه قرار دادند.

۳،۱. عدالت

۳،۱،۱. **ادیب‌الممالک و مفهوم عدالت:** در دیدگاه ادیب اوضاع عدلیه بسیار پریشان است و محیط آن پر از آدم‌های بی‌دین کژمنش است و در آن جا خیر و شر در هم آمیخته است؛ کار اصلی این قوم غارت اموال و ریختن خون بیگناهان است! قضا و ساحت عدلیه یا رب از چپ و راست / تهی ز مردم دیندار و دین پرست چراست؟! / بنای کژ نشود راست گفته اند ولیک / به دست کژمنشان این بنای کژ شده راست! /... بین در این جا هم امتزاج خیر و شر است / ز لطف قانون هم اختلاط صیف و شتاست / شعارشان همه بی‌دینی است و بی‌شرفی / وظیفه غارت اموال خلق و سفک دماست! / (ادیب‌الممالک، ۱۳۴۵: ۸۹).

۳،۱،۲. **وحید دستگردی و مفهوم عدالت:** وحید دستگردی اشرافی‌گری را دلیل بی‌عدالتی و فشار بر طبقات محروم جامعه می‌داند و در ابیات زیر اینگونه به این نکته اشاره می‌کند: بلای مملکت اعیان و اشراف‌اند پنهانی / عیان گردید این معنی چو روز امتحان آمد... / هزاران خانه ویران گشت از بنیاد و یک خانه / به سیم دیگران با کاخ زرین توأمان آمد / هزاران رنجبر تا جان نداد از سختی و زحمت / کجا یک گنج‌بر با دولت قارون قران آمد... / (دستگردی، ۱۳۰۷: ۵۵-۵۶).

۳،۱،۳. **ملک‌الشعراى بهار و مفهوم عدالت:** بهار که امیدی به بهبود اوضاع ندارد در قصیده "کار ایران با خداست"، عدالت را تنها روزنه امید و رهایی برای ملت ستمدیده ایران می‌داند: هر دم از دریای استبداد آید بر فراز / موج‌های جانگداز / زین تلاطم کشتی ملت به گرداب بلاست / کار ایران با خداست / مملکت کشتی حوادث بحر و استبداد خس / ناخدا عدل است و بس / کار پاس کشتی و کشتی نشین با ناخداست / کار ایران با خداست / (بهار، ۱۳۸۷: ۱۲۵).

۳،۲. آزادی

۳،۲،۱. ادیب‌الممالک و ستایش آزادی و آزادی خواهان:

ادیب در مسمط «چکامه نادری» به ستایش مجاهدین اصفهان و سپاه بختیاری می‌پردازد: ای نیاکان شما شیراوژنان روزگار/مرز جم زان شیرمردان هنرور پایدار/گشت زین کشور درفش کاویانی آشکار/کوفت از ضحاک، سر با گاوسر کاوه چو مار/گشت افریدون فرخ بر جهان مالک رقاب... (ادیب‌الممالک، ۱۳۴۵: ۳۲). ادیب‌الممالک در قصیده «التیماتوم» با نمادهای اساطیری و تاریخی به تمجید از آزادی‌خواهی می‌پردازد: کجاست کاوه که بار دگر درفش به دست / به شهر فریدونی آورد ز جبال / کجاست نادر دور کنون که بر در او / چنین وحید گشاید زبان عجز و سؤال / که ای پناه عجم آگهی ز کشور جم / وز آنچه رفت به کشور ز حال و استقبال / ز جای خیز که در پیش پای بنشینند / جماعتی که ندانند نقص راز کمال... (ادیب‌الممالک، ۱۳۴۵: ۲۷).

۲،۲،۳. وحید دستگردی و ستایش آزادی و آزادی خواهان: وحید دستگردی

هنگامی که محمدعلی میرزا مجلس شورای ملی را به توپ بست شعر «مرثیت» را سرود: یوسف به درهمی چند؛ بفروختند خرسند / داد از شکم پرستان؛ آه از علوفه خواران / خون غم سیاوش در طشت می زند جوش / کیخسروا بیارای؛ صف‌های کامگاران / (وحید دستگردی، ۱۳۰۷: ۸۷). وحید در «چکامه بختیاری» به تمجید و ستایش ضرغام السلطنه که پیشاهنگ پیروزی بزرگ آزادیخواهان و غلبه بر استبداد در شهر اصفهان بود می‌پردازد: حامی عدل مظفر داور فتح و ظفر / ماحی بیداد، عادل پرور ظالم شکار / کنز قدرت، مجمع تدبیر، برهان خرد / آفتاب فیض، دریای هنر، کوه وقار / زنده شد مشروطه ای میرکبیر از فرّ تو / سوخت استبداد را تیغ تو خرمن برق‌وار / ... (وحید دستگردی، ۱۳۰۷: ۶۱).

۳،۲،۳. ملک الشعرا بهار و ستایش آزادی و آزادی خواهان: بهار که دیکتاتوری

را در دولت قاجار احساس می‌کند و آن را مخالف زبان آزادی و آزادی خواهان می‌داند می‌نویسد: با شه ایران ز آزادی سخن گفتن خطاست / کار ایران با خداست / مذهب شاهنشاهی ایران ز مذهب‌ها جداست / کار ایران با خداست / ... (بهار، ۱۳۸۷: ۱۲۴). او در ابیات زیر از مسمط «تهنیت فتح تهران» رشادت‌ها و جانفشانی‌های ستارخان را ارج می‌نهد: حضرت ستارخان، سپهد نامدار / امیر نصرت پژوه؛ هُزْبر دشمن شکار / پیل دمان روز رزم؛ شیر زیان وقت کار / تیغش مغفر

شکاف؛ تیرش خفتان گذار/ آنکه به یک دار و گیر، آن که ز یک گیر و دار/ کرد ز خون عدو، دشت و دمن لاله گون / (بهار، ۱۳۸۷: ۱۵۰).

۳,۳,۳. وطن پرستی

۳,۳,۱. ادیب و وطن پرستی: ادیب وطن و وطن پرستی را از واجبات برشمرده و آن را بسیار حیاتی برای بقای یک ملت می داند: گر رگ ایرانیت به تن بود ایدر/ جیحون سازی ز دیده تل و دمن را/ مرد، وطن راچنان عزیز شمارد/ با دل و جان که شیرخواره لب را/ مرد، وطن را چنان ز صدق پرستد/ فاش و هویدا که بت پرست وثن را(ادیب الممالک، ۱۳۴۵: ۳).

اما ادیب در بین صاحبان قدرت وطن فروشانی را می بیند که به جای منافع ملی به فکر منافع شخصی اند: «آخر ای ایرانیان ای مردمان باشرف/ از چه رو دادید این سان ملک ایران را ز کف؟ / گرچه بُد معلوم از اول کان بهایم سیرتان/ صورتی بودند و بد مقصودشان آب و علف» (ادیب الممالک، ۱۳۴۵: ۳۱۵).

۳,۳,۲. وحید دستگردی و وطن پرستی: او را که شاعر توانای دوره بیداری می دانند در چکامه بختیاری پایتخت نشینان را دعوت به حمایت از هم وطنان خود در اصفهان می کند: حس ملی چه شد و همت ایرانی کو؟/ غیرت دین به کجا رفت و مسلمانی کو؟ (دستگردی، ۱۳۰۷: ۵۲۲). «هر که بینی در ره دین و وطن کوشیده اند/ تا نبینی پرده بر روی غرض پوشیده اند/ دست آویز است این را دین و آن یک را وطن/ پایدار این گونه بر دین و وطن کوشیده اند» (دستگردی، ۱۳۰۷: ۴۰۲). آنچه در دل شاعر ایجاد تشویش و نگرانی می کند وجود خائنانی است که ریاکاری پیشه کرده اند و حس وطن پرستی را به بهایی اندک داده اند: «وطن چگونه شود زانگلیس و روس آزاد/ که این گروه بتر زانگلیس و از روس اند/ ز دوست دست نگیرد آن جماعت دون/ که دشمنان وطن را به عجز پابوس اند/ (دستگردی، ۱۳۰۷: ۴۰۷).

۳,۳,۳. بهار و وطن پرستی: مفهوم وطن و وطن پرستی در اشعار بهار موج می زند و او این مهم را ارزشی اخلاقی - دینی می داند: هر که را مهر وطن در دل نباشد، کافر است / معنی حب الوطن، فرموده پیغمبر است (بهار، ۱۳۸۰: ۶۶۹). خدمت من مخفی و پوشیده نیست / لیک ز خود

وصف پسندیده نیست / سال شد از بیست فزون تا که من / گشته ام آواره حب الوطن (بهار، ۱۳۸۰: ۱۵۵).

۴. مرحله چهارم؛ طرح راه‌حل و درمان

در تئوری جستاری اسپریگنز، مرحله نهایی طرح راه‌حل و یا به عبارتی تجویز نسخه درمان می‌باشد. به دیگر سخن، پس از شناسایی مشکل، ریشه‌های وقوع آن، ترسیم نظم آرمانی سرانجام بایستی بتوان مشکل موجود را درمان نمود. با جستاری در آثار ادیب‌الممالک، وحید دستگردی و بهار می‌توان تلاش برای تحقق یک نظام مشروطه واقعی و مجلس نمایندگان حقیقی مهم‌ترین راه‌حل ممکن برای جامعه استبدادزده ایران آن اوان می‌باشد. هرچند در ادامه مشخص گردید که مجلس و مشروطه واقعی نه تنها در ایران امکان‌پذیر نبود، بلکه خود یکی از عوامل واپس‌گرایی ایران آن عهد تلقی گردید.

۴.۱. ادیب‌الممالک، مشروطه و مجلس:

ادیب‌الممالک پیش از مشروطیت شاعری مداح بود و وابسته به دربار قاجار، اما با نظام مشروطیت تحت تأثیر مسائل سیاسی و اجتماعی قرار می‌گیرد و این مضامین در اشعارش جلوه ویژه‌ای پیدا می‌کند؛ بنابراین با وقایعی که بر سر مشروطه و مشروطه‌خواهان گذشت، ادیب‌الممالک نه تنها حامی مشروطه نگردید؛ بلکه به شدت به آن تاخت. در واقع اینجا یکی از تفاوت‌های مهم ادیب با وحید و بهار است چرا که وی آشکارا به جریان‌ات‌پسا مشروطه و فساد و ناکارآمدی نمایندگان و وزرا می‌تازد و این‌گونه اعتراض می‌کند: «این آن مشروطه‌ای نیست که ما می‌خواستیم و توقع می‌داشتیم! تنها وزیران خائن دولت، از این مشروطه سود برده‌اند؛ چیزی عاید مردم نشده است (سلیمانی و مهرآوران، ۱۳۹۸: ۱۷۰). برعکس آنچه توقع بود به‌جای عدل و انصاف و کرم، ظلم و اجحاف و ستم رواج یافته است: «سگ چوپان شده با گرگ انباز / بره را گرگ ستم‌کاره ربود / دیده در خون جگر زد غوطه / باد لعنت به چنین مشروطه...» (ادیب‌الممالک، ۱۳۴۵: ۵۴۸). ادیب به ستایش از نمادهایی چون قانون اساسی، مشروطه، عدالت و مجلس می‌پردازد و زمانی که محمدعلی شاه مجلس را به توپ می‌بندد، تأسف عمیق خود را

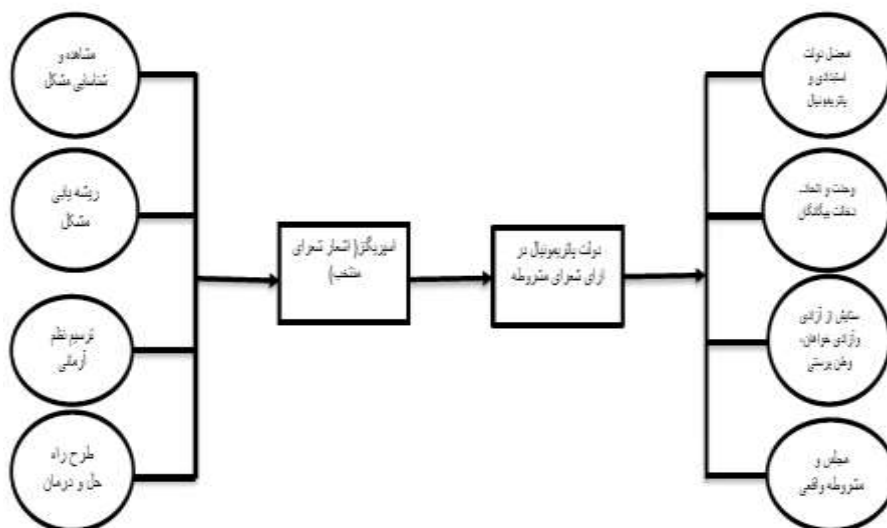
این گونه بیان می‌کند: ای خاک بهارستان سفت ز چه وارون شد؟/ ای رشک نگارستان خاکت ز چه گلگون شد؟ (ادیب‌الممالک، ۱۳۴۵: ۵۴۴)

۴،۲. وحید دستگردی، مشروطه و مجلس: وحید دستگردی نیز از وزرا و وکلای ناکارآمد و افراد خیانت پیشه و آنهایی که مملکت و ملت را به ورطه نابودی و عذاب انداخته‌اند می‌نالد. وحید دستگردی با سرودن چکامه بلند "بختیاری" می‌خواست با ارج نهادن به کارگزاران و دستیاران انقلاب، آزادیخواهان را در به کف گرفتن سرنوشت خود تشجید کند؛ دیگر این که غارتگران سرمایه ملی و اربابان زر و زور و دشمنان استقلال را رسوا و قدر قدرت بودن آنان را خنثی کند (رادمنش، ۱۳۸۷).

از وزیر افزوده شد در مملکت و زرو بال/ وز و کیل افتاد ملت در عذاب و در نکال... (دستگردی، ۱۳۰۷: ۳۵).

۴،۳. ملک الشعراى بهار، مشروطه و مجلس: بهار هم از این که مجلس روزنه امیدی برای مردم ستمدیده ایران بود احساس غرور می‌کرد و بازتاب آن را می‌توان در اشعارش مشاهده کرد: "در مجلس به فرخی و اشد / آنچه گم گشته بود پیدا شد/ مه رخشان عدل طالع گشت/ دیو دژخیم ظلم رسوا شد (بهار، ۱۳۸۷: ۲۷۹). اما ناکارآمدی، بی‌کفایتی و ناکامی مجلس در تحقق نیازهای مردم باعث شد تا او عملکرد مجلس را مورد انتقاد قرار دهد: مجلس هفتم، آن مجلس شومی است که هست/ از چنین مجلس و این قانون ملت بیزار (بهار، ۱۳۸۷: ۴۷۴). مجلس چهاردهم مجلس نان پختن بود/ حیف شد سعی سهیلی که نیامد مشکور (بهار، ۱۳۸۷: ۷۸۰). از «دولت» هم انتقاد می‌کند، انگار دولت هم با مجلس همدستی می‌کند تا کشور را به سمت ویرانی ببرد: «همه پستی و دنائت، همه نادانی و جهل/ همه تزویر و تقلب همه تقصیر و قصور.../ به جز از نفع ندارند ز هستی مقصود/ به جز از پول ندارند به گیتی منظور.../ شهر مخروبه و مخروبه ایشان آباد / ملک ویرانه و ویرانه ایشان معمور (بهار، ۱۳۸۷: ۵۷۱).

مدل مفهومی پژوهش



بر اساس مدل مفهومی پژوهش و در یک جمع‌بندی از یافته‌ها، همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در اشعار شاعران منتخب مشروطه؛ ادیب‌الممالک فراهانی، وحید دستگردی و ملک‌الشعرا بهار، نگارندگان با بررسی این اشعار و بر اساس الگوی جستاری اسپریگنز و فهم دولت استبدادی، برای هر مؤلفه مصداق‌هایی استخراج کردند. مشاهده و شناسایی مشکل با مؤلفه "دولت استبدادی و پاتریمونیا"، ریشه‌یابی مشکل با مؤلفه "تأکید بر وحدت و اتحاد در جامعه ایران و حضور و دخالت نیروهای بیگانه"، ترسیم نظم آرمانی با مؤلفه "تأکید بر عدالت، ستایش از آزادی و آزادی‌خواهان، وطن‌پرستی"، طرح راه‌حل و درمان با مؤلفه "مجلس و مشروطه واقعی" قابل تطبیق و بهره‌برداری است. آنچه از تطبیق آرا این سه شاعر به آن دست می‌یابیم درون‌مایه‌هایی است که در بررسی اشعار پدیدار می‌گردد و به دلیل حاکمیت حاکمان خودکامه و دخالت کشورهای بیگانه مضامین سیاسی مشترکی چون؛ ظلم ظالمان، استبداد، بی‌کفایتی شاهان وقت، ستایش از آزادی و آرزوی داشتن مجلس و مشروطه واقعی در سروده‌های هر سه شاعر وجود دارد. این مقاله با رویکرد مقایسه‌ای به بررسی و تطبیق این مضامین پرداخته است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

ادبیات در دوران مشروطه برخلاف دوران پیشین، همگام با مسائل اجتماعی نگرشی سیاسی پیدا کرد به گونه‌ای که شعر در این دوران مضمون اصلی‌اش را از سیاست الهام می‌گرفت و نسبت به تحولات جامعه واکنش نشان می‌داد. شاعران منتخب که خود از روشنفکران این دوره و از پرچم‌داران نهضت مشروطه نیز محسوب می‌شوند، قانون و آزادی که از مضامین مهم سیاسی این عصر است را در اشعار خود بازتاب گسترده‌ای داده‌اند؛ بنابراین دوره مشروطه را می‌توان دوره نوآوری تحت تأثیر سیاست زمان با مضامین ادبی در جلوه‌ای نو در اندیشه‌های ملی و میهنی ایران دانست. شاعرانی چون ادیب‌الممالک فراهانی، وحید دستگردی و ملک‌الشعراى بهار در گسترش افکار مشروطه‌طلبی و آزادی‌خواهی نقش بسزایی را ایفا کرده‌اند. از آنجایی که دوران مشروطه نقطه عطفی در تاریخ ادب ایران است و تغییرات بسیاری در این زمان حادث شده است و شاعران به‌مثابه نخبگان سیاسی که تاکنون مدح شاه می‌گفتند از دربار ناامید شده و به میان مردم کوچه و بازار آمدند و از زبان آن‌ها الهام گرفتند و با ادبیات سیاسی و به‌نقد شاه و شرایط حاکم پرداختند و به حکومت پنجه کشیدند. نویسندگان این مقاله با مبنا قرار دادن اندیشه‌های سه شاعر عهد مشروطه یعنی ادیب‌الممالک فراهانی، وحید دستگردی و محمدتقی ملک‌الشعراى بهار، سعی در تبیین مهم‌ترین گفتمان‌های انتقادی آنان در قبال دولت قاجار با تأکید بر تئوری جستاری اسپریگنر داشته‌اند. در این راستا و در گام نخست، آنچه که شرایط ایران اسفناک آن زمان را بیش‌ازپیش برای این سه شاعر برجسته نموده بود، بحث استبداد حاکم از سوی طبقه حاکم بوده است به‌نحوی که خودرایی و استبداد شاهان، اصلی‌ترین عامل اوضاع وخیم سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران به شمار می‌رفت. ادیب‌الممالک فراهانی و در بحث غرب‌ستیزی و در شعر "مرثیت"، با تندی بیشتری نسبت به دو شاعر دیگر به محمدعلی شاه می‌تازد و از بزرگان مملکت انتقاد می‌کند. در گام بعدی، سه شاعر مذکور در تبیین چرایی این مسئله انتقاد صریح خود را معطوف به دو علت دیگر، یکی چندپارگی جامعه ایران و عدم وحدت مردم و دیگری حضور و مداخله گاه‌و‌ب‌گاه نیروهای بیگانه (همچون روس، انگلیس و حتی آلمان) دانستند. در این راستا، وحید دستگردی با زبانی شیوا و محکم‌تر مطالبه‌گری را در حقوق پایمال شده امت اسلامی رهنمون می‌شود و درنگ را به‌هیچ‌عنوان جایز نمی‌داند. این سه شاعر مشهور در گام سوم، سه مفهوم عدالت، آزادی و وطن‌پرستی را آرمانی برای جامعه مصیبت‌زده ایران آرزو کرده و نهایتاً

برای درمان و چاره‌جویی خواستار تحقق یک مجلس واقعی یا مشروطیتی کارآمد شدند. اما در جایی که عدالت و آزادی مورد تأکید است، بهار امیدی به بهبود اوضاع ندارد و تنها راه نجات را برای امت ستم‌دیده ایران در شعر "کار ایران با خداست"، عدالت می‌داند. او هم چنین در مسئله کوتاهی در حق وطن و در اشعاری چون "از ماست که بر ماست" نیز بر دو شاعر دیگر برتری خاصی دارد و بر این باور است که در حق وطن کوتاهی شده است. در مرحله چهارم و در موضوع مشروطه و مجلس، وحید دستگردی با زبانی تندتر و با شعر "چکامه بلند بختیاری"، وزرا و کلا را خائنینی می‌داند که کشور را به ورطه نابودی رسانده‌اند. دیدگاه ادیب نیز در این راستا نسبت به دو شاعر دیگر متفاوت است. او با این که مرتجعان را مستبد می‌داند؛ ولی معتقد است که امکان یکدلی و وحدت در کنار مشروطه‌خواهان برای ایشان وجود دارد؛ بنابراین در مقایسه آرا دیدگاه‌های این سه شاعر در موضوع دولت استبدادی وقت، بیانگر این است که مشروطه‌نه‌تنها تغییراتی در نظام حکومتی ایجاد کرد؛ بلکه نظام شعر را به طرز شگرفی دگرگون ساخت و هر سه شاعر با دیدگاه‌هایی هر چند متفاوت، همپای گروه‌های مردمی سعی در ایجاد شور و شوق و دخالت ملت در امور سیاست و دفاع از ارزش‌های ملی و وطنی داشتند. این شاعران سعی در بیداری ملت و آگاهی و آشنایی آنان با بدنه دولت که زمینه را برای بروز تحقق خودکامه‌عاری از ساختار و ضابطه که از بارزترین ویژگی‌های دیوان‌سالاری استبدادی است داشتند.

شعر آن باشد که خیزد از دل و جوشد ز لب باز در دلها نشیند هر کجا گوشی شنف

(بهار، ۱۳۸۰: ۴۲۲)

فهرست منابع

Articles

- Afsarirad, M., Alam, M., & Jalilian, S. (2019). Patrimonialism in the Era of Ghajar Dynasty, *Jame Paghohi Farhangi*, 10(3), 51-77. [In Persian]
- Asadi, Fahimeh. (2022). Comparison and Analysis of Constitutional Poets Perspectives on Social Classes, *Research Journal of Persian Language and Literature*, (67), 41-64. [In Persian]
- Darvishpur, H., Lekzi, M., Athari, A., & Mahmudi, M. (2021). Investigation of Patrimonialism on Modern Institutions of Pahlavi Era (Case Study): Army and Patrimonialism, *Islamic and Historical Research*, 8 (29), 401-427. [In Persian]

- Hatami, Hafez; Nasr Esfahani, Mohammadreza and Babasafari, Ali Asqar. (2002). Social Approach on Adib-al Mamalek Farahani, *Journal of Literary Research*, (164), 161-193. [In Persian]
- Musavi, H. (2020). *Legal Literature*. Tehran: Nasl Roshan
- Books
- Arianpur, Y. (1999). *From Saba to Nima*. Tehran: Agah Publication. [In Persian]
- Bahar, Mohammad Taghi. (1999). *Collection of Poems*. Tehran, Toos. [In Persian]
- Bahramian Fael, Maryam. (2022). *Justice in Constitutional Poems*. Tehran: Zarrin Hushmand. [In Persian]
- Gholipur, L. (2020). *The Development of Realist Poetry from Constitutional Era to the Recent Time*. Tehran: Bartarandishan. [In Persian]
- Grace, W. (2002). *Literature and Its Reflection*. Translated by Behruz Azabdaftari: Tabriz, Korvash. [In Persian]
- Mahmudizadeh, M., & Hosseinzadeh, Z. (2017). *Resistance Literature in Constitutional Poetry*. Tehran: Minufar Publication
- Mir Ahmadi, M., & Moradi Tadi, M. (2017). *Methodology of Political Intellect: Comparative Criticism*. *Periodical of Political and International Findings*, 7(4), 179-303. [In Persian]
- Mirali Hassanzadeh, A., Khatami, A., & Nasiri Salush, S. Z. (2014). *The Impact of Social Class on Poetry of Constitutional Poets with Concentration on the Poetry of Iraj Mirza and Farokhi Yazdi*. *Persian Language and Literature Research*, 13(39), 45-68. [In Persian]
- Mohaghegh, A., & Abbasi, H. (2021). *Imagination and Politics, Investigation in the Process of Context of Constitutional Poetry*. *Persian Language and Literature*, 29(90), 147-172. [In Persian]. (2014). *Comparative Analysis of Religious Quotes in Constitutional Poetry*. *Quranic Researches in Literature*, 1(2), 79-102. [In Persian]
- Radmanesh, A. (1999). *Vahid and Bakhtiari Ballad (Research on Constitutional Literature)*. *Journal of History*, 3 (9), 61-77. [In Persian]
- Shafiei Kadkani, M. (2022). *Periods of Persian Poetry from Constitutionalism to the Fall of the Monarchy*. Tehran: Sokhan
- Shfiie Qahfarkhi, O., Fatemi, S. A., & Rahmani, J. (2014). *Political Themes Of Adibalmmalek Farahani Poetry*. *Political Research of Islamic World*, 2(2), 97-114. [In Persian]
- Soleimani, A., & Mehravaran, M. (2019). *Criticism of Constitutional Poetry with Emphasis on the Poetry of Mirzadeh Eshgi and Abolghasem Lahuti*. *Literary Science*, 9(16), 167-205. [In Persian]
- Taslim Jahromi, F., & Amirian, T. (2012). *Comparative Analysis of Adibalmamalek Farahani and Maaruf Alrasafi Political Poetry*. 6th International Conference of Literary Researches, Shahid Beheshti University. [In Persian]

Zabihnia Omran, A. (2018). Political Protest Approach of Farokhi Yazdi and Authoritarian Critical Thoughts in the Constitutional Era, *Political Researches of Islamic World*, 8(4), 197-220. [In Persian]

